

## گونه شناسی کشمکش در خانواده‌های چندهمسر

نعیما محمدی\* و محمدتقی شیخی\*\*

### چکیده:

مقدمه: ساختار خانواده در ایجاد گونه‌های مختلفی از کشمکش در روابط خانوادگی به شکل معناداری تأثیرگذار است.

هدف: در این مطالعه به بررسی گونه‌های مختلف کشمکش از حیث نوع و شدت آن در خانواده‌های چند همسر و تک همسر شهر زاهدان پرداخته شده است. روش: در مقاله حاضر در مجموع ۳۰۰ زن زاهدانی که ۱۵۰ نفر در خانواده‌های تک‌همسر و ۱۵۰ نفر دیگر در خانواده چند زن عضویت داشتند. این افراد از طریق پرسش‌نامه همراه با مصاحبه مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: در بخش مربوط به یافته‌های تحقیق فرض وجود گونه‌های مختلف کشمکش با شدت معناداری در خانواده‌های چند همسر در مقایسه با خانواده‌های تک همسر به اثبات تجربی رسید. به این ترتیب زنان مورد بررسی در ازدواج چند همسر در مقایسه با خانواده‌های تک‌همسر بالاترین سطح کشمکش در روابط قدرت، روابط عاطفی و روابط جنسی را تجربه می‌کنند.

نتیجه‌گیری: ارائه خدمات اجتماعی و آگاهی‌های عمومی به افراد در ساختار خانوادگی چندزن باعث توانمندسازی زنان در خانواده‌های چند زن می‌شود. به نظر می‌رسد چنین عملکردی در کاهش شدت کشمکش و آثار مضر آن اثربخش باشد.

**کلید واژه‌ها:** گونه شناسی کشمکش، کشمکش در روابط قدرت، کشمکش در روابط عاطفی، کشمکش در روابط جنسی

### مقدمه

خانواده بخشی از سیستم اجتماعی است که هم تحت تأثیر دیگر نهادهای اجتماعی قرار می‌گیرد و هم امکان ایجاد تغییر در آن‌ها را فراهم می‌نماید (پارسونز و بیلز، ۱۹۹۸)<sup>۱</sup>. از آنجا که ازدواج اغلب به شیوه‌های قانونی، دینی و فرهنگی اطلاق می‌شود که ماهیت و کیفیت آن توسط هنجارهای اجتماعی برساخته می‌شود، لذا می‌توان به لحاظ ساختی از ازدواج تک‌همسر و چندهمسر نام برد که در جوامع مختلف جایگاه‌های متفاوتی دارند (برنالد، ۱۳۸۴: ۲۳۷). منشاء پیدایش چندزنی را انسان‌شناسان

\* [Naima.mohammadi@yahoo.com](mailto:Naima.mohammadi@yahoo.com)

\*\* [MT.shykhi@yahoo.com](mailto:MT.shykhi@yahoo.com)

<sup>۱</sup>. Parsons & Bales

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

\*\* دانشیار دانشگاه الزهرا

هم‌زمان با شیخویت پدری دانسته‌اند و عقیده دارند که پس از اهلی شدن حیوانات مسأله چرای دام‌ها مورد توجه قرار گرفت که در نتیجه فرایند مالکیت زمین گسترش یافت. به این ترتیب زنان مزیت و برتری خود را از دست دادند و انگیزه ازدواج بیشتر به سوی تأمین نیازهای جنسی سوق یافت و تعدد زوجات به وجود آمد (فرید، ۱۳۸۳: ۹۷). به‌طور کلی ازدواج چندهمسری در جوامع جمعی<sup>۱</sup>، الگوی مرسوم به‌شمار می‌رود. در این جوامع نرخ باروری بالا است و فرزندان به عنوان منبع تأمین کننده نیروی کار و ثروت، حامی منافع اقتصادی و اجتماعی والدین قلمداد می‌شوند. به همین دلیل تمایل به داشتن فرزند زیاد از طریق حمایت از ساختار چندهمسری برای نظام خانواده انجام می‌گیرد (البدرو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). اگر چه این میزان در کل کشور رقم قابل ملاحظه‌ای نمی‌باشد؛ و از این رو نمی‌توان چندزنی را در ایران ساخت غالب قلمداد کرد. اما این پدیده طی سال‌های ۱۳۶۰ به دلیل وجود شرایط بحرانی ناشی از جنگ ایران و عراق به شکل قابل ملاحظه‌ای در برخی مناطق کشور افزایش یافت (امانی، ۱۳۸۰: ۴۲). این در حالی است که این پدیده اجتماعی در برخی مناطق کشور هنوز به میزان بالایی وجود دارد (مجاهد، ۱۳۸۳). در شهر زاهدان از میان ۱۵۱۱۰۰ زوج ۸۶۷۹۹ نفر بیش از یک زن دارند. در این میان ۶۵۴۲۵ نفر دو زن و ۲۱۳۷۴ نفر به‌طور هم‌زمان سه یا تعداد بیشتری زن دارند. تعداد خانواده‌های تک‌همسر در این شهر ۶۴۳۰۱ نفر می‌باشد. به این معنا که ۴۲/۵ درصد از خانواده‌های موجود در زاهدان ساختار تک همسر دارند و ۵۸/۵ درصد از آنان در خانواده‌های چند زن به سر می‌برند (مرکز آمار استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۵). وجود میزان چشم‌گیر قتل و خشونت‌های خانوادگی در این شهر در مقایسه با دیگر شهرهای کشور نشان از وجود کشمکش و ناسازگاری‌های سازمان یافته- ای است که گویای کاهش انسجام و صمیمیت در روابط خانوادگی می‌باشد که به شکلی گریزناپذیر با شیوه زندگی در خانواده‌های چندزن در ارتباط است. در این مقاله به واکاوی گونه‌های مختلف کشمکش در خانواده‌های چندزن پرداخته می‌شود.

### ادبیات نظری تحقیق

در مطالعه حاضر برای تبیین مسأله کشمکش در روابط خانوادگی از تئوری تضادگرایی همچون راندل کالینز<sup>۳</sup> و گئورگ زیمل<sup>۴</sup> استفاده شده است. هر یک از این تئوری پردازان کشمکش در روابط میان زوجین در خانواده را به شکلی خاص مطرح کردند (لیدر، ۲۰۰۴). تضادگرایی در راستای تأیید نظریات مطرح شده از سوی کارکردگرایی چون ویلیام گود<sup>۵</sup> و تالکوت پارسنز<sup>۶</sup> تعادل در روابط خانوادگی را در گرو تقسیم توافق‌آمیز منابع تعریف می‌کنند- اگر چه رویکرد مبتنی بر توافق در مورد دیگر گروه‌های اجتماعی نقطه تفاوت این دو دستگاه نظری می‌باشد- در واقع هر گاه در تقسیم منابع ارزشمند و مشترک موجود در خانواده خللی ایجاد شود تنش و برخورد

<sup>1</sup>. Collective Society

<sup>2</sup>. Elbedour

<sup>3</sup>. Randall Collins

<sup>4</sup>. George Simmel

<sup>5</sup>. William Goode

<sup>6</sup>. Parsons Talcott

میان اعضاء بازتولید می‌شود (گود، ۱۹۸۹). گود مطالعاتی در مورد ساختار خانواده‌های گسترده انجام داده است؛ حاصل این مطالعات ارائه تئوری همگرایی<sup>۱</sup> است که به تبیین دگرگونی اجتناب‌ناپذیر نظام خویشاوندی همراه با تغییرات اجتماعی در جامعه صنعتی می‌باشد. او خانواده هسته‌ای را محصول این تغییرات می‌داند. جامعه‌ای که با محدود نمودن کارکردهای خانواده به خصوصی شدن روابط خانوادگی تأکید دارد (اعزازی، ۱۳۷۶). جایی که از «عشق» به عنوان یک قابلیت عاطفی یاد می‌شود و انطباق میان نهاد خانواده با دیگر بخش‌های جامعه مدرن ضروری به نظر می‌رسد (لیدر، ۲۰۰۴). تأکید پارسنز بر سیستم تقسیم کار بیش از پیش تحت تأثیر اندازه<sup>۲</sup> و تعداد<sup>۳</sup> اعضای خانواده تنظیم می‌شود چنین نگاهی نسبت به روابط خانوادگی مشابه با دستگاه نظری زیمل در تئوری اعداد است. از این رو با کوچک شدن اندازه خانواده و پیدایش خانواده‌های هسته‌ای در جامعه جدید نظام تقسیم کار، تعریف پایگاه اجتماعی و نحوه ایفای نقش هر یک از اعضاء متناسب با نیاز ساختار مشخص می‌شود (پارسونز، ۱۹۹۸). پارسنز معتقد است مهم‌ترین عامل در حفظ بقا و تعادل یک سیستم اجتماعی تقسیم متعادل و توافق‌آمیز منابع است (زالدیس، ۱۹۹۸، ۴).

منطبق با نظریات مطرح شده از سوی کالینز در طول تاریخ، خانواده متأثر از شرایط ساختاری تغییر شکل داده است. اما همواره کنش‌گران در بازسازی و تعریف مجدد چگونگی روابط میان اعضاء نقش مهمی داشته‌اند. جان‌مایه اصلی نظریه تضاد در خصوص کشمکش در روابط خانوادگی میان اعضاء برگرفته از تحلیل منافع آشکار و پنهان، وجود نظام قشربندی (نابرابری) و توزیع ناعادلانه اقتدار (مشروعیت) می‌باشد (ریتزر، ۱۳۸۱). او معتقد است چیزی که به زن یا مرد در خانواده قدرت می‌دهد تا بیش از دیگری در امور دخل و تصرف داشته باشد پایگاه‌های متعددی است که دیگری از آن محروم است. زنی که در نقش معشوقه<sup>۵</sup>، مادر و دوست ظاهر می‌شود به دلیل نیازمندی بیشتر به او قدرتمندتر می‌گردد. او روابط بین فردی را در قالب سه اصل کلی مطرح می‌کند: اصل اول: افراد در جهان‌های ذهنی خودساخته‌ای زندگی می‌کنند، اصل دوم: افراد قدرت تأثیرگذاری یا نظارت بر تجربه ذهنی دیگران را دارند، اصل سوم: افراد برای حذف یا نظارت بر عملکرد گروه رقیب تلاش می‌کنند (ریتزر، ۱۳۸۱: ۱۷۳). کالینز و اسکات توافق بین فردی را در گروه‌های کوچک امکان‌پذیرتر می‌دانند؛ چون کنترل و پیش‌بینی رفتار افراد در شرایطی که نقش‌ها و پایگاه‌های متنوع و متفاوتی در یک واحد وجود دارد، دشوارتر است. کشمکش‌های ذهنی میان افراد هم منفعت در همه گروه‌ها وجود دارد که به طور لزوم هم مخرب نیستند اما چانه زنی بالایی را ایجاد می‌کند که بسته به تحمل اجتماعی دوام و زوال سیستم را تعریف می‌کند (کالینز و کالترن<sup>۶</sup>، ۱۹۹۸). از نظر کالینز شدت کشمکش و محتوای آن در خانواده، به شکل قابل توجهی نسبت به دیگر گروه‌های اجتماعی پیچیده‌تر است. به عنوان ازدواج او روابط جنسی را مهم‌ترین منبع کشمکش میان زوجین می‌داند که در هیچ

1. Convergence Theory

2. size

3. number

4. Zelditch

5. Being Lover

6. Coltrane

گروه اجتماعی به شکل رسمی وجود ندارد؛ چون عشق و تنفر خاص گروه‌های اولیه و غیررسمی است. لازمه تحلیل کشمکش در روابط جنسی کشف منابع ارزشمند در این حیطة است؛ شخصیت، زیبایی ظاهری، پول، منزلت ذهنی و تأیید دیگران به عنوان منابع ارزشمند سوژه مورد نظر در این خصوص می‌باشند. از این رو مردان به دلیل داشتن زنانی با این ویژگی‌ها به لحاظ اجتماعی موفق قلمداد می‌شوند. این رقابت پنهان در زنان نیز موجود است تا مقبولیت خود را همچنان حفظ کرده باشند و ستاره باقی بمانند. با از دست دادن هر یک از این منابع ارزشمند ترس از دست دادن مقبولیت و مشروعیت ایجاد می‌شود. به طور مثال زنان با از دست دادن جاذبه سکسی که جزء با ارزشی از دارایی‌های نمادین آن‌ها ارزیابی می‌شود، احساس حسادت و رقابت بیشتری نسبت به همسر خود پیدا می‌کنند. در حقیقت منبع اصلی کشمکش میان اعضای گروه توزیع نابرابر امکانات و منابع کمیاب و ارزشمند است؛ زیرا افرادی که احساس محرومیت بیشتری دارند و سهمی متناسب با انتظار خود دریافت نمی‌کند، بیش از دیگران نسبت به مشروعیت سیستم تردید می‌ورزند. در نقطه‌ای که این احساس محرومیت به انفجار می‌رسد، سرخوردگی تجلی می‌یابد بنابراین تلاش برای دگرگون‌سازی نظام تقسیم و تخصیص منابع انجام می‌شود. اگر چه شیوه‌های بروز خشونت، روش‌ها و درجه‌های متفاوتی دارد (استیل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). در شرایطی که افراد گروه به دنبال دست پیدا کردن به بیشترین منزلت ذهنی هستند، رقابت به منظور نفع شخصی پدیدار می‌شود. هر چند درجه‌ای از تضاد میان اعضای گروه به استحکام آن منتهی می‌شود. اما کالینز در مطالعات خود وجود ناسازگاری متداوم را عامل از هم گسستگی ساختار خانوادگی معرفی می‌کند (کالینز و کالترن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸: ۳۴۵). گاه فشارهای فرهنگی و اجتماعی مانع از اثربخشی کشمکش در روابط میان زوجین می‌شود و گاه رقابت خود عامل تأثیرگذاری در ارتقای سطح روابط و تقویت صمیمیت میان اعضا می‌شود اما این در شرایطی رخ می‌دهد که نخست، امکان جبران منبع ارزشمند از دست رفته وجود داشته‌باشد. دوم، کشمکش موقتی باشد و سوم، عامل تنش‌زا بیرونی باشد. از این رو دارایی‌های خانواده را در سه حوزه می‌توان قرار داد:

(۱) مالکیت اقتصادی.

(۲) روابط اجتماعی بین نسلی نظیر عشق، صمیمیت و مشارکت در روابط خانوادگی

(۳) رابطه جنسی (کالینز و کالترن، ۱۹۹۸: ۲۱۹-۲۲۳). احساس محرومیت در هر یک از این بخش‌ها زمینه رقابت خانوادگی را به شکلی نیرومند، مدام و پنهان بر سر دارایی‌های مشترک و غیرقابل تقسیم به ویژه در عشق اول، با شدت بیشتری ایجاد می‌کند.

بر اساس تئوری عشق که در قرن بیستم بهتر از دیگر تئوری‌های جامعه‌شناختی قادر به تبیین روابط زناشویی است؛ در درازمدت روابط احساسی و عاطفی شدید تولیدکننده احساس حسادت است و از همین احساس، تلاشی نمادین برای حفظ تمامیت‌ها آغاز می‌شود. کالینز متأثر از گرایشات پدیدارشناسانه و روش‌شناسی مردمی عنوان می‌کند افراد به‌طور ذاتی به دنبال دست پیدا کردن به بیشترین حد منزلت ذهنی می‌باشند؛ این منزلت قابل تقسیم با دیگر اعضا نیست (ریترز، ۱۳۸۱). در

1. Steel

2. Coltrane

حقیقت از زمانی که عشق جای مصلحت را در انتخاب همسر گرفت، از نظر والدرف<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) - همکار کالینز - ارزشمندترین منابع یک زن در خانواده که عبارت است از ظاهر جسمانی، جوانی، تأثیرگذاری و توانایی عشق ورزیدن وارد یک کنش رقابتی متقابل می‌شود. از این رو زنانی که از دارایی‌های مذکور بیشتر بهره‌مند می‌باشند در مقایسه با دیگرانی که چنین منابعی ندارند از مشروعیت بالاتری برخوردار می‌شوند و دخل و تصرف آن‌ها در امور افزایش پیدا می‌کند. مارتین شافر<sup>۲</sup> در مطالعه خود به اهمیت شیوه تقسیم عادلانه کار در خانواده و تأثیر آن بر سلامت روانی اعضا اشاره می‌کند. در شرایطی که امکان تعریف نقش برای فرد فراهم نباشد، تداخل و تعارض نقش‌ها عامل ایجاد کننده نزاع و برخورد می‌شود.

مطالعات روان‌شناسان اجتماعی نشان می‌دهد که پیام‌های غیر کلامی در چنین شرایطی جایگزین پیام‌های کلامی شده و پدیده‌ای به نام «صحبت یک نفره ذهنی» احساس بی‌اعتمادی و محرومیت را در فرد ایجاد می‌کند. تخریب دیالوگ و پیدایش منولوگ در خانواده‌های غیرهسته‌ای، شافر را بر آن داشت که سبک دلبستگی زوجین هندی را در خانواده‌های گسترده مورد مطالعه قرار دهد. نتایج به دست آمده از این تحقیق او را در خلق یک نظریه عمومی مبنی بر ارتباط متقابل میان تعداد افراد خانواده که قرار است منابع مشترک را بین خود تقسیم کنند و کیفیت روابط عاطفی یاری رسانند. در این مطالعه سلامت روانی، احساس امنیت و ماندگاری زنان هندی که با مادرشوهر خود در یک منزل مشترک سکونت داشتند، ۲/۱ برابر کمتر از زنان خانواده هسته‌ای گزارش شد. از نظر محقق توزیع عادلانه منابع عاطفی بسیار دشوارتر از توزیع منابع مالی می‌باشد. هم‌چنین تأثیرات روانی ناشی از احساس محرومیت در خانواده به شکلی ماندگارتر معنای نهاد غیررسمی خانواده را تحریف می‌نماید (ویلسون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵). در این خصوص زیمل نظریه اعداد و غریبه را مطرح می‌کند که به تحلیل بحث حاضر به شکلی عینی کمک می‌کند. به نظر او گروه‌های دوتایی ثبات‌مندتر از گروه‌های سه یا چهارتایی هستند؛ زیرا عدم تمایل هر یک از اعضا کافی است تا کلیت گروه فرو پاشد (کوزر، ۱۳۸۰: ۲۵۹). شاید بارزترین جنبه راز این باشد که وجود حداقل دو نفر شرط لازمی است که راز معینی از تعلق یک نفر خارج شود و در عین حال شرط حداکثر هم هست که آن راز حفظ شود (روزنبرگ و کوزر، ۱۳۸۲: ۷۱). چون هر یک از آنان خود را رو در روی یک نفر می‌بیند و یک مجموعه را بر فراز خود احساس نمی‌کند. در گروه‌های سه نفره کیفیت کار و عملکرد افراد متأثر از شرایط ساختاری عوض می‌شود و آستانه نیاز تغییر می‌کند. عضو سوم می‌تواند در نقش میانجی، مسلط و یا تفرقه‌انداز ظاهر شود و ساختار گروه را کاملاً عوض کند (کوزر، ۱۳۸۰: ۲۵۹). هر یک از این پیامدها بسته به نقشی که غریبه یا عنصر تازه وارد ایفا می‌کند، تغییر می‌پذیرد. به عنوان مثال وقتی مادر بزرگ به ساختار خانواده اضافه می‌شود به دلیل نبود نقش و جایگاه تعریف شده برای او، محتوای نقشی دیگر کنشگران دچار تغییراتی می‌شود. چون نقش مادر بزرگ محدود به محبت و صمیمیت با نوه‌ها می‌شود؛ اما از آن‌جا که محتوای نقشی در درون ساختاری مطرح شده که غیرقابل انتظار است، در این صورت تجاوز به نقش مادری قلمداد می‌شود و از

<sup>1</sup>. Waldrof

<sup>2</sup>. Martin Chaffer

<sup>3</sup>. Wilson

این حیث نوعی کشمکش میان این دو عضو درمی‌گیرد (سیف، ۱۳۶۸: ۱۰۹). او عنوان می‌کند با بزرگ‌تر شدن گروه و به عضویت گرفتن افراد همسان و همپایه برای ایفای نقش‌های مشابه به دلیل کاهش توقعات گروه از تک‌تک افراد از احساس تعلق و مسئولیت فرد کاهش پیدا می‌کند و فاصله اجتماعی میان فرد و ساختار بیشتر می‌شود (کوزر، ۱۳۸۰: ۲۶۱). از این رو با توسل به واقعیت می‌توان اثبات کرد که چندهمسری نمی‌تواند یک شکل زناشویی باشد. چون همواره در شرایط طبیعی به تعداد مردان، زن وجود داشته است (زیمل، ۱۳۸۴: ۱۹۹). نتایج مطالعاتی که او روی خانواده‌های چندهمسر انجام داده است، نشان می‌دهد به‌طور عملی یکی از زنان از میان همسران مرد موقعیت برجسته‌تری را نسبت به دیگران پیدا می‌کنند. این زن ممکن است همسر اول، مورد علاقه‌ترین و یا نجیب‌زاده‌ترین آن‌ها باشد و یا جوان‌ترین آن‌ها که منابع ارزشمند و کمیاب را در اختیار دارد حال آن که در هر دو حالت وجود درجه‌ای از کشمکش بدیهی و قابل اثبات است (زیمل، ۱۳۸۴: ۲۰۱).

#### پیشینه تحقیق:

از جمله تحقیقات انجام شده در خصوص موضوع مطالعه شده می‌توان به مطالعه استفانی تحت عنوان «بررسی میزان رضایت زناشویی در خانواده‌های چندهمسر در شهر ابوظبی امارات متحده عربی» اشاره کرد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد رضایت زناشویی در خانواده‌های چندزن کمتر از خانواده‌های تک‌همسر است. اگرچه میزان رضایت‌مندی با افزایش تعداد فرزندان پسر خانواده افزایش پیدا می‌کند، اما میزان کشمکش بین هووها در این شرایط افزایش می‌یابد. زیرا داشتن فرزند پسر به عنوان یکی از منابع ارزشمند امکان کشمکش در روابط خانوادگی را فراهم می‌کند (استفانی، ۲۰۰۷). نتایج مطالعه موردی الشربینی که سلامت روانی و جسمی زنان اول در خانواده‌های چندزنی را مورد بررسی قرار داد؛ میزان افسردگی، اضطراب و بیماری‌های جسمی هم‌چون فشارخون و سر دردهای میگرنی در زنان اول خانواده‌های چندهمسر بیش از دیگر زنان ارزیابی می‌کند. از نتایج به‌دست آمده در این تحقیق می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تداوم شرایط کشمکش و روابط رقابت‌آمیز در خانواده امکان ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانی را افزایش می‌دهد (الشربینی، ۲۰۰۵: ۱۹۵-۲۰۳). چون بر اساس نتایج ارائه شده به وسیله ال-کرینویی علت عدم سلامت روانی و جسمی در گروه مورد مطالعه وجود کشمکش و درگیری در روابط خانوادگی می‌باشد. از این حیث می‌توان این مطالعه را در راستای اثبات نتایج تحقیق حاضر قلمداد کرد (الکرینویی، ۱۹۹۹). از کان و آلتینگدان علت عدم سلامت روانی و جسمی را پایین بودن میانگین سن ازدواج زنان در اولین ازدواج، وجود هووها به‌عنوان رقیب، بی‌توجهی مرد به زن اول و فرزندان دختر، زندگی بدون عشق، انتخاب همسر به‌صورت اجباری و ایجاد دودستگی در روابط خانواده مطرح شده است (ازکان و آلتینگدان، ۲۰۰۶). مجموعه این عوامل به‌عنوان فاکتورهای ایجادکننده کشمکش در تحقیق حاضر مورد تأیید قرار گرفتند. مجاهد تحقیقی بر روی زنان

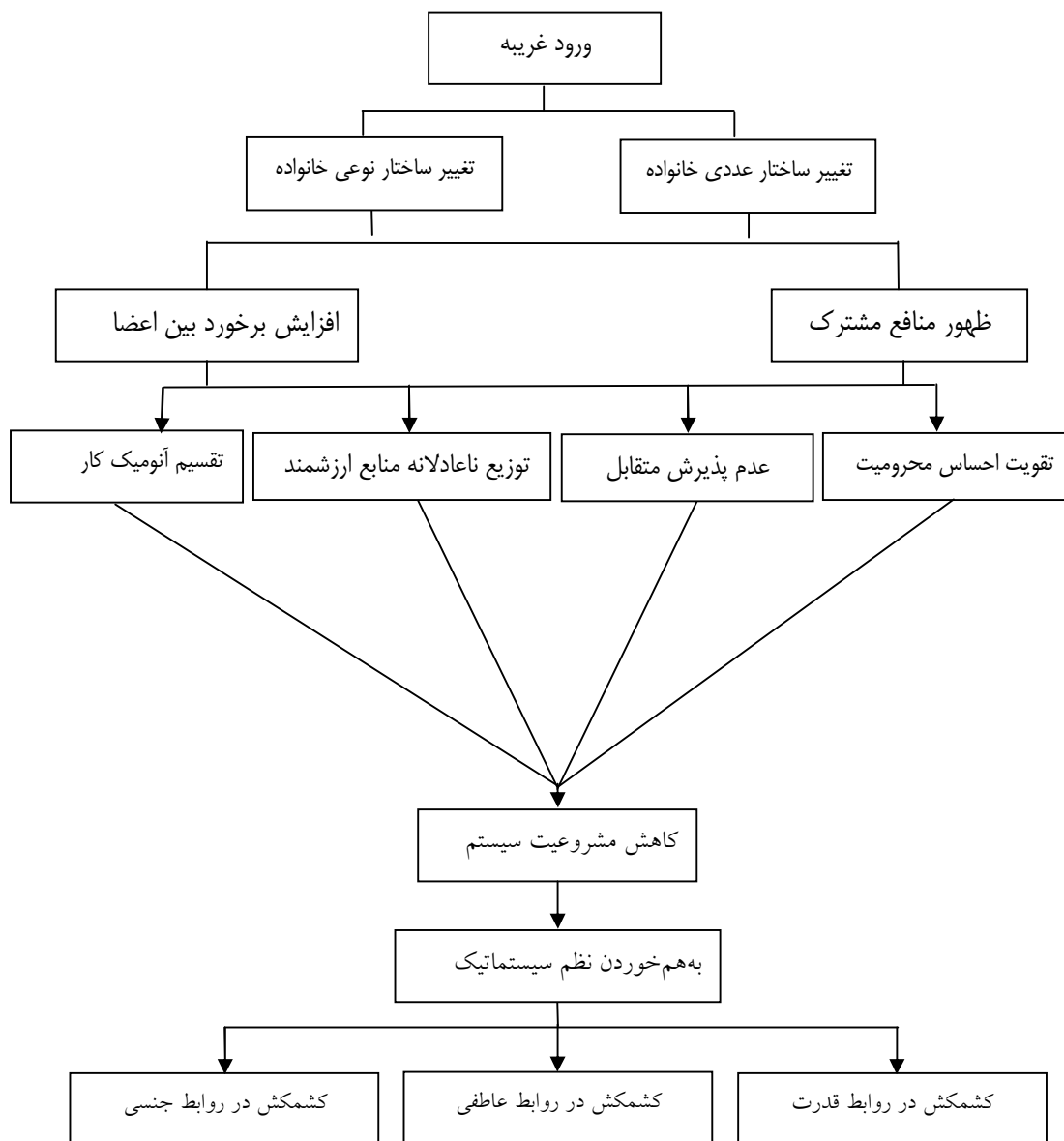
<sup>1</sup> Steffani

<sup>2</sup> AL-Sherbiny

<sup>3</sup> Al- Krrenawi

<sup>4</sup> Ozkan&Altindag

و کودکان در خانواده‌های چند همسر شهر سراوان سیستان و بلوچستان انجام داد، مقدار سلامت روانی کودکان در خانواده چندزنی را  $1/5$  برابر کمتر از سلامت روانی زنان در خانواده تک‌همسر عنوان نمود. این مقدار در مورد زنان به  $1/8$  افزایش پیدا می‌کند. بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود نتایج به‌دست آمده در این مقاله نتایج حاصل شده در این تحقیق را تأیید می‌کند. بنابراین می‌توان گفت کشمکش در روابط خانوادگی، زنان را در مقایسه با کودکان بیشتر متأثر می‌سازد (مجاهد، ۱۳۸۲: ۶۰-۶۷). البته مطالعاتی هم در این زمینه انجام شده است که نتایج مقاله حاضر را تأیید نمی‌کند. از این جمله می‌توان به نتیجه به‌دست آمده از تحقیق ملانقی در قم تحت عنوان «وضعیت عملکرد خانواده و سلامت روانی در خانواده‌های چندهمسری» اشاره کرد. بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه، سلامت روانی زنان در خانواده‌های چندهمسری تفاوت معناداری با خانواده‌های تک‌همسر ندارد. هم‌چنین عنوان شده است میزان مشارکت گروهی میان افراد خانواده در چنین خانواده‌هایی به‌مراتب بیشتر است. این نتیجه برخلاف یافته‌های حاصل از مطالعه حاضر است که علت آن می‌تواند شرایط اجتماعی- فرهنگی جامعه مورد بررسی باشد (ملانقی، ۱۳۷۷). مطالعه‌ای که عارف‌نظری و مظاهری در مورد «سبک‌های دلبستگی و شیوه همسرگزینی (چند همسری - تک‌همسری)» در سال ۱۳۸۴ در شهر تهران انجام داد، نیز از این جمله است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد هیچ تفاوت معناداری میان این دو گروه ملاحظه نشده است. بنابراین نتیجه به‌دست آمده نشان می‌دهد الگوی دلبستگی نایمن و چارچوب‌های رشدی نابه‌هنجار عاملی برای چندهمسری محسوب نمی‌شود؛ زیرا تمایل زنان به انتخاب مردانی که جایگاه اجتماعی و اقتصادی بالایی دارند، زیاد است. بنابراین صرف‌نظر از وضعیت تأهل یا مجرد مرد، میزان دلبستگی زوجه به مردان چند زن متنفاً به لحاظ اجتماعی و اقتصادی در سطح بالایی قرار دارد (عارف‌نظری و مظاهری، ۱۳۸۴).



مدل نظری تحقیق



**۵- فرضیه تحقیق**

گونه‌های مختلفی از کشمکش بر حسب ساختار خانواده، در خانواده‌های چندزن و تک همسر شهر زاهدان وجود دارد.

**۶- روش تحقیق**

در این تحقیق به منظور گونه‌شناسی کشمکش روابط خانوادگی در ساختار چندزن و تک همسر شهر زاهدان واحد اصلی مورد مشاهده خانواده در نظر گرفته شد. به این ترتیب جامعه تحقیق حدود ۱۵۱۱۰۰ خانواده واقع در شهر زاهدان می‌باشد که از میان آنان با توجه به امکانات و با استفاده از فرمول حجم ازدواج به دست آمد:

$$N = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$$

با جایگزین کردن اعداد، حجم ازدواج شامل ۳۷۹ زن متأهل در خانواده چندزن و تک همسر ساکن شهر زاهدان است که با توجه به محدودیت‌های تحقیق و با نظر متخصصان و صاحب‌نظران، حجم ازدواج به ۳۰۰ زن متأهل که ۱۵۰ زن متعلق به خانواده چندزن و ۱۵۰ زن متعلق به خانواده تک همسر بودند، کاهش یافت. به منظور توصیف و تحلیل سوال‌های مطرح شده و آزمون فرضیه تحقیق از روش پیمایش<sup>۱</sup> و ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته و استاندارد استفاده شده که به شکل خوداجراء انجام گرفت. هم‌چنین با استفاده از گویه‌های پرسشنامه استاندارد «کیفیت زندگی» که در سال ۱۹۹۵ توسط بیکر<sup>۲</sup> و دایموند<sup>۳</sup> نوشته و در سال ۱۳۸۵ به وسیله دکتر اکبر بیان زاده و دکتر اشرف کربلایی نوری به فارسی ترجمه شده به سنجش شدت کشمکش پرداخته شد. از آنجا که ازدواج تحقیق باید معرف باشد در این تحقیق از روش ازدواج‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده استفاده شد. ابتدا با توجه به نقشه‌های هوایی شهر زاهدان که در معاونت برنامه ریزی استانداری موجود بود. کلیه بلوک‌های شهر در نظر گرفته شدند سپس از بین همه بلوک‌ها، ۳۵ بلوک براساس توزیع جمعیت در آن‌ها انتخاب شد. در مرحله بعد در هر بلوک به صورت تصادفی (۳ خانه در میان) ۱۲ خانه انتخاب و در صورت حضور زن متأهل در آن منزل تکمیل پرسش‌نامه آغاز شد. کوکران در مجموع ۳۰۰ زن متأهل از طریق روش ازدواج‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده مورد بررسی قرار گرفتند. در این تحقیق برای احتساب روایی مقیاس‌ها از آلفای کرونباخ و برای اطمینان از اعتبار آن از اعتبار محتوایی و صوری استفاده شد. از آنجا که دو مفهوم مهم اندازه‌گیری شده در این مطالعه گونه‌های مختلف کشمکش از حیث محتوا و شدت است به تعریف عملیاتی این مفاهیم پرداخته شده است.

محتوای کشمکش: در این تحقیق محتوای کشمکش از حیث وجود واکنش‌های برخوردی و دوگانه در روابط قدرت، روابط عاطفی و روابط جنسی میان اعضای خانواده مورد مطالعه قرار گرفته است. سنجش کشمکش در حوزه روابط قدرت حاصل جمع شاخص‌هایی همچون شیوه تقسیم کار و شیوه توزیع منابع ارزشمند است. در این مطالعه به کمترین میزان کشمکش در روابط قدرت نمره ۳۰ و

<sup>۱</sup>. survey

<sup>۲</sup>. M. Becker

<sup>۳</sup>. R. Diamond

بیشترین مقدار با نمره ۱۵۰ نشان داده شده است. وجود کشمکش در روابط عاطفی از طریق شاخص - هایی مانند احساس تعلق به شبکه خانوادگی، احساس محرومیت، میزان پذیرفته شدن و شیوه‌های ابراز علاقه - زبانی و عملی - عملیاتی شده. حداقل میزان کشمکش در روابط عاطفی در این مطالعه با نمره ۱۸ و حداکثر آن با نمره ۹۰ نشان داده شده است. کشمکش در روابط جنسی نیز با دو شاخص شیوه برقراری روابط زناشویی و احساس لذت‌مندی و برخورداری متقابل مورد سنجش قرار گرفت که کمترین میزان کشمکش با نمره ۷ و بیشترین میزان با نمره ۳۵ مشخص شده است.

شدت کشمکش: منظور از شدت کشمکش اندازه‌گیری میزان کشمکش است که دامنه‌ای از اشکال بسیار ساده و بدون خشونت تا روابط تنش‌زا و توأم با اختلافات بسیار شدید را در بر می‌گیرد. در این تحقیق، درگیری‌های روانی به عنوان خفیف‌ترین شکل کشمکش؛ بگومگوهای زبانی گویای کشمکش در اندازه متوسط و برخورد‌های فیزیکی بیانگر شدیدترین صورت کشمکش در نظر گرفته شده است. درگیری روانی از طریق شاخص‌هایی نظیر خودگویی‌های ذهنی، بدبینی و انتقام‌گیری از خود و دیگران مورد ارزیابی قرار گرفت. بگومگوهای زبانی از طریق ارزیابی مفاهیمی که معنای نفرین، زخم زبان، فحش و ناسزا می‌دهند، سنجیده شده. برخورد‌های فیزیکی از طریق شاخص‌هایی همچون تنبیه بدنی (کتک- کاری)، زد و خورد‌های جسمی میان اعضای خانواده و قتل‌های خانوادگی عملیاتی شده است. لازم به ذکر است در این مقاله کمترین میزان کشمکش نمره ۱۷ و شدیدترین میزان کشمکش نمره ۸۵ داده شده است.

### نتایج تحقیق

در این مطالعه به منظور گونه‌شناسی کشمکش از حیث شدت و محتوا، ابتدا به چشم‌اندازی کلی از ویژگی‌های زمینه‌ای دو نوع ساختار خانوادگی در شهر زاهدان اشاره می‌شود سپس مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر محتوا و شدت کشمکش برحسب ساختار خانوادگی به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه متوسط سن ۱۵۰ پاسخ‌گویی که در خانواده تک‌همسر به سر می‌برند ۳۵/۳ سال و متوسط سن پاسخ‌گویانی که متعلق به خانواده چندزن می‌باشند، ۳۶/۵ سال است. حداقل سن پاسخ‌گویان به ترتیب ۱۶ و ۱۵ سال و حداکثر سن آن‌ها ۶۴ و ۶۲ سال است. متوسط سن همسر پاسخ‌گویان نیز به ترتیب در خانواده تک‌همسر ۴۰ سال و در خانواده چند زن ۴۷/۷ سال است. بر اساس ارقام به دست آمده پایین‌ترین سن همسر پاسخ‌گو در خانواده تک همسر ۱۸ سال و بالاترین آن ۷۶ سال بوده است. این متغیر در خانواده چندزن به ترتیب ۲۷ سال و ۷۸ سال به دست آمده است. مدت زناشویی زوجین در خانواده تک‌همسر و چندزن به طور متوسط ۱۵/۸ سال گزارش شده است. متوسط تعداد فرزندان که در خانواده تک‌همسر متولد شدند ۳/۶ نفر است. در حالی که متوسط تعداد فرزندان متولد شده در خانواده‌های چندهمسر ۹/۶ نفر می‌باشد. این در حالی است که حداکثر فرزند متولد شده در خانواده تک‌همسر ۹ نفر می‌باشد در حالی که این مقدار در خانواده چندزن تا ۱۷ فرزند افزایش داشته است. فاصله سنی میان زوجین در خانواده تک‌همسر ۴/۷ سال و در خانواده چندزن ۱۰/۶ سال می‌باشد.

از آنجا که ویژگی‌های زمینه‌ای گروه بررسی شده برحسب ساختار خانواده متفاوت به دست آمده است در جدول شماره ۱ تفاوت‌های معنادار در این خصوص نمایش داده شده است. با توجه به ارزش مقدار eta تفاوت بسیار معناداری بر اساس میانگین تعداد فرزندان خانواده، میانگین تعداد فرزندان پسر، میانگین فاصله سنی زوجین و میانگین سنی زن در اولین ازدواج در ساختار خانواده تک‌همسر و چندزن وجود دارد. لازم به ذکر است مقدار eta بین ۰ تا ۱ نوسان دارد و نزدیکی به ۱ نشان‌گر شدت رابطه است ( $0 \leq E \leq +1$ ). به این معنا که در خانواده‌های ازن، زن، ۳ و ۴ زن متغیرهای زمینه‌ای مطرح شده به طور معناداری متفاوت است. بنابراین می‌توان عنوان کرد ارتباط میان تعداد زنان خانواده و برخی متغیرهای زمینه‌ای به لحاظ آماری اثبات شده و معنادار است. میانگین تحصیلات پاسخ‌گو و همسر پاسخ‌گو، میانگین سن زن و میانگین هزینه‌های خانواده و ساختار جمعیتی خانواده ارتباط معناداری به دست نیامد.

جدول شماره ۱: تحلیل واریانس یک طرفه میانگین متغیرهای زمینه‌ای و ساختار عددی خانواده

| Eta   | سطح معناداری | مقدار F | چندزن    |        | تک همسر ازن | ساختار عددی خانواده<br>متغیرهای زمینه‌ای |
|-------|--------------|---------|----------|--------|-------------|--|
|       |              |         | ۳ و ۴ زن | ۲ زن   |             |  |
| ۰/۱۱۸ | ۰/۰۰۶        | ۲/۲۸۵   | ۳۴/۱     | ۳۳/۲   | ۳۵/۳        | میانگین سن                               |
| ۰/۰۱۷ | ۰/۰۱۰        | ۳/۳۸۹   | ۵۲/۷     | ۴۲/۱   | ۴۰          | میانگین سن همسر                          |
| ۰/۳۴۹ | ۰/۰۰۰        | ۴۰/۹۹۵  | ۱۰/۴     | ۸/۱    | ۳/۶         | میانگین تعداد فرزندان خانواده            |
| ۰/۴۸  | ۰/۰۰۰        | ۴۰/۹۹۵  | ۸/۳      | ۵/۷    | ۳/۲         | میانگین تعداد فرزندان پسر خانواده        |
| ۰/۵۰۱ | ۰/۰۰۰        | ۴۳/۵۰۲  | ۱۱/۶     | ۹/۳    | ۴/۷         | میانگین فاصله سنی زوجین                  |
| ۰/۲۷۳ | ۰/۰۰۰        | ۵۳/۹۸۸  | ۱۸/۳     | ۱۲/۴   | ۱۵/۸        | میانگین مدت زمان زناشویی                 |
| ۰/۳۱۳ | ۰/۰۰۰        | ۴۸/۳۲   | ۱۷/۸     | ۲۳     | ۱۸/۸        | میانگین سنی زنان در اولین ازدواج         |
| ۰/۱۹۸ | ۰/۰۱۱        | ۶/۳۰۱   | ۵/۵      | ۶/۴    | ۸/۷         | میانگین میزان تحصیلات                    |
| ۰/۱۰۴ | ۰/۰۱۹        | ۴/۸۲    | ۸/۸      | ۸/۴    | ۱۰/۳        | میانگین میزان تحصیلات همسر               |
| ۰/۲۱۹ | ۰/۰۰۶        | ۱۶/۳۲   | ۴۶۸۱۲۹   | ۴۸۱۲۹۶ | ۴۳۵۶۸۸      | میانگین هزینه‌های خانواده در طول ماه     |

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، محتوای کشمکش در این مقاله در سه حوزه (روابط قدرت، روابط عاطفی و روابط جنسی) و شدت کشمکش در سه حوزه (کشمکش روانی، زبانی و فیزیکی) بررسی شده است. در خانواده‌های تک‌همسر، ۲۰/۶٪ از پاسخ‌گویان محتوای کشمکش در خانواده خود را بر سر روابط قدرت عنوان کردند. این در حالی است که بیشترین کشمکش در خانواده‌های چندزن در روابط قدرت گزارش شده است. کشمکش در روابط عاطفی در خانواده‌های تک‌همسر ۶۸/۶٪ است که در مقایسه با دیگر انواع کشمکش در این ساختار خانوادگی بیشترین مقدار

را به خود اختصاص داده است. در مقابل در خانواده‌های چندزن ۱۱/۳٪ از محتوای کشمکش در روابط خانوادگی در حوزه روابط عاطفی قرار دارد. در خصوص کشمکش در روابط جنسی ۱۰/۶٪ از خانواده‌های تک همسر در برابر ۲۱/۳٪ از خانواده‌های چندزن کشمکش در روابط خانوادگی خود را بر سر مسائل مربوط به روابط جنسی عنوان کردند.

جدول شماره ۲: توزیع تطبیقی فراوانی جمعیت بررسی شده بر حسب محتوای کشمکش

| خانواده چندزن |         | خانواده تک همسر |         | محتوای کشمکش         |
|---------------|---------|-----------------|---------|----------------------|
| درصد          | فراوانی | درصد            | فراوانی |                      |
| ۶۷/۳          | ۱۰۱     | ۲۰/۶            | ۳۱      | کشمکش در روابط قدرت  |
| ۱۱/۳          | ۱۷      | ۶۸/۶            | ۱۰۳     | کشمکش در روابط عاطفی |
| ۲۱/۳          | ۳۲      | ۱۰/۶            | ۱۶      | کشمکش در روابط جنسی  |
| ۱۰۰           | ۱۵۰     | ۱۰۰             | ۱۵۰     | جمع                  |

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، درگیری روانی به عنوان خفیف‌ترین شکل برخورد در روابط خانوادگی و برخورد یا درگیری فیزیکی به‌عنوان شدیدترین شکل برخورد محسوب شده است. در خانواده‌های تک‌همسر در مقایسه با خانواده‌های چندزن شدت درگیری‌های روانی به ترتیب ۵۳/۱ و ۱۶/۸ به‌دست آمده است. در خصوص درگیری‌های زبانی یا لفظی ۴۳/۳٪ از پاسخ‌گویان در خانواده‌های تک‌همسر و ۳۶٪ از پاسخ‌گویان در خانواده‌های چندزن از وجود درگیری‌های زبانی صحبت کردند. این در حالی است که ۱۵/۳٪ از مشارکت‌کنندگان در خانواده‌های تک‌همسر در مقابل ۵۴/۶٪ از پاسخ‌گویان در خانواده‌های چندزن درگیری فیزیکی را در روابط خانوادگی خود تجربه کردند.

جدول شماره ۳: توزیع تطبیقی فراوانی جمعیت بررسی شده بر حسب شدت کشمکش

| خانواده چندزن |         | خانواده تک همسر |         | شدت کشمکش     |
|---------------|---------|-----------------|---------|---------------|
| درصد          | فراوانی | درصد            | فراوانی |               |
| ۱۶/۸          | ۱۳      | ۵۳/۱            | ۷۴      | درگیری روانی  |
| ۳۶            | ۶۹      | ۳۲/۶            | ۵۵      | درگیری زبانی  |
| ۵۴/۶          | ۸۲      | ۱۵/۳            | ۲۱      | درگیری فیزیکی |
| ۱۰۰           | ۱۵۰     | ۱۰۰             | ۱۵۰     | جمع           |

همان‌گونه که در جدول شماره ۴ نشان داده شده است، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان استنباط کرد ۶۲٪ از تغییرات پدیدآمده در شدت کشمکش در خانواده‌های چند زن به‌وسیله متغیرهای مستقل پیش‌بینی شده در تحقیق تبیین می‌شود. از آن‌جا که شیوه سکونت و شکل خانواده متغیرهایی در سطح اسمی دو شقی می‌باشند. با دادن کد صفر و یک به‌صورت رگرسیون تصنعی وارد معادله شده‌اند؛ به این روش تحلیل متغیر ظاهری گفته می‌شود. نتایج حاصل از تأثیرگذاری این دو متغیر بر روی متغیر وابسته نشان می‌دهد میانگین تعداد زنان، نوع خانواده (چندزن/ تک‌همسر)، میانگین تعداد

فرزندان و شیوه سکونت (منزل مسکونی مستقل/مشترک) به ترتیب بیشترین تأثیرگذاری را در تبیین شدت کشمکش برعهده دارند.

جدول شماره ۴: مشارکت نسبی متغیرهای وارد شده بر شدت کشمکش

| متغیرها به ترتیب ورود به معادله | $\beta$ | سطح معناداری |
|---------------------------------|---------|--------------|
| میانگین تعداد زنان خانواده      | ۰/۷۳۱۲  | ۰/۰۰۰        |
| نوع خانواده                     | ۰/۶۰۳۰  | ۰/۰۰۰        |
| میانگین تعداد فرزندان خانواده   | ۰/۳۴۵۶  | ۰/۰۰۱۲       |
| شیوه سکونت                      | ۰/۳۳۶۱  | ۰/۰۰۰        |
| مقدار $R = ۰/۷۹$                |         |              |
| مقدار $R^2 = ۰/۶۲$              |         |              |
| مقدار $R^2$ تصحیح شده = ۰/۶۱    |         |              |
| سطح معناداری $F = ۰/۰۰۰$        |         |              |

همان‌طور که در جدول شماره ۵ نشان داده شده است، ۵۴٪ از مجموع تغییراتی که در متغیر وابسته، یعنی محتوای کشمکش رخ می‌دهد هم‌زمان به‌وسیله متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شود. در این میان، میانگین تعداد زنان خانواده بیشترین تأثیر را در تبیین متغیر وابسته دارد. نوع خانواده، شیوه سکونت و میانگین تعداد فرزندان نیز به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، مجموعه متغیرهای مستقل در تحقیق حاضر ۵۴٪ از تغییرات ایجاد شده در متغیر وابسته را به‌طور هم‌زمان توضیح می‌دهند.

جدول شماره ۵: مشارکت نسبی متغیرهای وارد شده بر محتوای کشمکش

| متغیرها به ترتیب ورود به معادله | $\beta$ | سطح معناداری |
|---------------------------------|---------|--------------|
| میانگین تعداد زنان خانواده      | ۰/۵۸۰۲  | ۰/۰۰۰        |
| نوع خانواده                     | ۰/۴۹۱۹  | ۰/۰۰۰        |
| شیوه سکونت                      | ۰/۳۱۰۴  | ۰/۰۰۰        |
| میانگین تعداد فرزندان خانواده   | ۰/۲۸۳۲  | ۰/۰۰۳        |
| مقدار $R = ۰/۷۴$                |         |              |
| مقدار $R^2 = ۰/۵۴$              |         |              |
| مقدار $R^2$ تصحیح شده = ۰/۵۴    |         |              |
| سطح معنی‌داری $F = ۰/۰۰۰$       |         |              |

### نتیجه‌گیری

همان‌گونه که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، گونه‌های مختلفی از کشمکش برحسب ساختار خانواده روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عقیده جامعه‌شناسانی که پیش از این در تحلیل‌های نظری تحقیق به نظریات آن‌ها اشاره شد کشمکش دائمی در نهاد خانواده زمینه اختلال و فروپاشی را فراهم می‌آورد (شیخی، ۱۳۸۰). بنابراین گونه‌شناسی کشمکش در هر یک از این ساختارها به شکل معناداری روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تأثیرگذارترین متغیرهای زمینه‌ای در این خصوص عبارتند از میانگین تعداد فرزندان خانواده، میانگین تعداد فرزندان پسر، میانگین فاصله سنی زوجین.

در خانواده‌های چندزن با افزایش تعداد فرزندان به ویژه فرزندان پسر - نابرداری‌هایی که متعلق به گروه‌های مختلف هستند - کشمکش ابعاد شدیدتری به خود می‌گیرد. چون در این شرایط توافق بر سر تقسیم منابع ارزشمند به هم می‌خورد و با تداخل منافع هریک از اعضا امکان برخورد میان آن‌ها و کاهش مشروعیت سیستم به طور هم‌زمان زمینه تشدید کشمکش را فراهم می‌کند. چنین فرایندی در جوامع مردسالار و سنتی میان مردان جوان خانواده امری طبیعی است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فاصله سنی میان زوجین در تشدید میزان کشمکش تأثیر قابل توجهی دارد. به طوری که در خانواده‌های تک‌همسر که این مقدار ۴/۷ سال است ابعاد کشمکش در سطح پائین‌تری قرار دارد در مقایسه با خانواده چند زن که این مقدار به ۱۰/۶ سال افزایش می‌یابد. چنین تفاوتی نشان می‌دهد زنان دوم، سوم و چهارم مرد که اغلب بسیار جوان‌تر از همسر اول می‌باشند در روابط خانوادگی خود کشمکش کمتری داشتند. چنانچه جوانی و زیبایی حاصل از آن به عنوان یکی از منابع ارزشمند برای زن تعریف شود، زنان جوان‌تر در عرصه روابط قدرت جایگاه محکم‌تری خواهند داشت چون جاذبه‌های جنسی طبق آنچه در چارچوب نظری مطرح شد به عنوان یک منبع ارزشمند در اختیار این گروه از زنان قرار دارد. از آنجا که تفاوت سنی میان زوجین در خانواده‌های تک‌همسر به استانداردهای مورد قبول متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه خانواده نزدیک‌تر است؛ از این رو کشمکش‌های کمتری در روابط خانوادگی آن‌ها دیده می‌شود.

گونه‌های مختلفی از کشمکش برحسب ساختار خانواده مشاهده شد. به‌گونه‌ای که کشمکش در خانواده‌های چندزنی که ازدواج اول آن‌ها اجباری و از پیش مقرر شده بود به شکل معناداری بیش از زنان در ساختار تک‌همسر مشاهده شد. این مسأله به‌ویژه در مورد همسر اول مرد در خانواده‌های چند زن مصداق پیدا می‌کند؛ زیرا نتایج مطالعات فرهنگی در این شهر نشان می‌دهد ازدواج با زن اول در مقایسه با دیگر ازدواج‌ها کمتر در اختیار مرد است. از این رو وجود درگیری‌های روانی، بگومگوهای زبانی و برخوردهای فیزیکی که همگی درجه‌ای از شدت کشمکش در روابط خانوادگی را می‌سازد، در مورد زن اول بیش از دیگر زنان می‌باشد. البته در این خصوص تعداد زنان خانواده از اهمیت بسیار

زیادی برخوردار می‌باشد. چون اطلاعات به‌دست آمده نشان می‌دهد شدت کشمکش در خانواده‌های ۳ و ۴ همسر به وضوح بیش از خانواده‌های ۲ همسر است. منطبق با تحلیل‌های نظری به‌کار رفته شده در این تحقیق وجود سنجی تحت عنوان غریبه، در تعریف نقش‌های افراد تأثیرات زیادی دارد برحسب اینکه این فرد هوو باشد یا افرادی همچون عروس/داماد، مادرشوهر/مادرزن، پدرشوهر/پدرزن و... گونه‌های متفاوت با درجه‌های مختلفی از کشمکش در روابط میان اعضا ایجاد می‌شود.

این مطالعه هم‌چنین نشان داد کشمکش حاصل از برخورد منافع میان هووها بیشترین شدت کشمکش را فراهم می‌کند چون این افراد در همه منابع ارزشمند خانواده سهیم هستند و مشروعیت نهاد خانواده به شکل معناداری در گرو رضایتمندی گروه‌های مختلف ایجاد شده است. از نتایجی که به بررسی تأثیر مذهب و قومیت پاسخ‌گو بر گونه‌های مختلف کشمکش می‌پردازد می‌توان نتیجه گرفت که شدت کشمکش در خانواده‌های شیعه مذهب با قومیت فارس بیشتر است. چون میزان پذیرش چندهمسری در این گروه‌ها به شکل معناداری کمتر از زنان در خانواده‌های سنی مذهب و بلوچ است. هم‌چنین گونه‌های کشمکش برحسب شیوه همسرگزینی نیز متفاوت به دست آمد به گونه‌ای که کمترین شدت کشمکش زبانی، روانی و فیزیکی در ازدواج‌های توافقی مشاهده شد و به شکل معناداری ازدواج‌های اجباری در خانواده‌های چندزن بیشتر به دست آمد که حاصل آن پیدایش کشمکش در روابط قدرت، عاطفی و جنسی است.

با توجه به این مباحث، پیشنهاد می‌شود ضوابط حقوقی مشخص و علمی در خصوص شکل و ساختار خانواده اتخاذ شود تا امکان بروز کشمکش در روابط خانوادگی کاهش یابد. ایجاد تسهیلات خاص برای زوجین در خانواده‌های چندهمسر که بیشتر در معرض گونه‌ها و درجه‌های مختلف کشمکش هستند ضروری می‌باشد. از جمله این خدمات مراجعه اجباری به مراکز مشاوره خانواده، روان درمانی و آموزش شیوه‌های برخورد با شرایط تنش‌زا و بحرانی است. به این ترتیب مردان تن‌ها با شرکت در این کارگاه‌های رایگان اجازه ازدواج‌های هم‌زمان بعدی را پیدا می‌کنند. از آنجا که تأکید بر منزل مسکونی مستقل برای هر زن از شدت کشمکش می‌کاهد و سلامت اجتماعی و روانی اعضای خانواده را تضمین می‌کند لذا به نظر می‌رسد برنامه‌های نظارتی هدفمند از سوی دولت برای اتخاذ چنین ضوابط قانونی برای خانواده‌های چندهمسر بتواند به بی‌کارکرد شدن پدیده چند همسری در مناطق عقب مانده کمک نماید تا به این ترتیب از کشمکش و تضاد در محیط صمیمی خانواده کاسته شود و نهاد خانواده در معرض آسیب‌های کمتری قرار گیرد.

## منابع

- آرکلک، استوارت (۱۳۷۹) چارچوب‌های قدرت، ترجمه: مصطفی یونسی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اعزازى، شهلا (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات خانواده.
- امانی، مهدی (۱۳۸۰) «نگاهی به چهل سال تحول جمعیت شناختی ازدواج در ایران از سال ۱۳۳۵-۱۳۷۵»، مجله علوم اجتماعی، شماره ۷.
- برنالدز، جان (۱۳۸۴) درآمدی بر مطالعات خانواده، ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- بهنام، جمشید (۱۳۵۷) ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران، تهران: انتشارات خوارزمی.
- خسروی، زهره (۱۳۸۰) «بررسی آسیب‌های روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانوار»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۳۹، صص: ۷۱-۹۴.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۱) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زیمل، جرج (۱۳۸۴) «جامعه‌شناسی خانواده»، ترجمه: فرهاد گوشبر و حشمت‌الله معینی‌فر، مجله پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۳، پائیز، صص: ۱۹۵-۲۰۸.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: نشر سروش.
- سیف، سوسن (۱۳۶۸) تئوری رشد خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی زنان و خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عارف‌نظری، مسعود و محمدعلی مظاهری، (۱۳۸۴) «سبک‌های دلبستگی و شیوه همسرگزینی (چندهمسری - تک‌همسری)»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره اول، شماره ۴، زمستان، صص: ۳۹۳-۴۰۵.
- فرید، محمدصادق (۱۳۸۳) درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی، تهران: انتشارات پشتون.
- کوپر، کاری (۱۳۷۰) زندگی با اضطراب، ترجمه: ماشاءالله مدیحی، تهران: نشر یادآوران، چاپ اول.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کوزر، لوئیس و برنالد روزنبرگ (۱۳۸۲) نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- گئورگ، زیمل (۱۳۸۶) مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی، ترجمه: شهناز مسمی پرست، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- گود، ویلیام (۱۳۵۲) خانواده و جامعه، ترجمه: ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.



مجاهد، عزیزالله. و بهروز بیرشک (۱۳۸۳) «وضعیت رفتاری کودکان و سلامت روانی والدین در خانواده‌های چند همسری»، مجله‌اندیشه و رفتار، سال نهم، شماره ۳. صص: ۶۰-۶۷.  
وحید، فریدون. و محسن نیازی (۱۳۸۳) «تاملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت در شهر کاشان»، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳. صص: ۱۱۷-۱۴۵.

AL- Krenawi, Alean, R. Graham, Johan and Salem. AL- Krenawi (1997) "Social Work Practice with Polygamous Families" *Child and Adolescent Social Work Journal*. Vol 14, No 6. December, pp: 445-457.

AL- Sherbiny, Ahmad (2005) "The Case of first Wife in Polygamy". *Arab Psynet Journal*. No8. November .PP: 18-26.

Coltrane, Scott & Collins, Randall (1995) "*Sociology of Marriage & the Family*" united state.

Elbedour, S. Bart William and Joel Hektner (2007) "The Relationship between Monogamous/ Polygamous Family Structure and the Mental Health of Bedouin Arab Adolescents ", *Journal of Adolescence*. Vol 30, PP: 213-230.

Elbedour, S. Bart William and Joel Hektner(2007) "The Relationship between Monogamous/ Polygamous Family Structure and the Mental Health of Bedouin Arab Adolescents ", *Journal of Adolescence*. vol 30, PP: 213-230.

Elbedour, Salman. J. Onwuegbuzie, Antony and Hasan Abusad (2002) "The Effect of Polygamous Marital Struture on Behavioral, Emotional and Academic Adjustment in Children", *Clinical Child and Family Psychology Review*. Vol5, No4. Desember, PP: 225-271.

Elbedour, Salman. J. Onwuegbuzie, Antony and Hasan Abusad(2002) "The Effect of Polygamous Marital Structure on Behavioral, Emotional and Academic Adjustment in Children", *Clinical Child and Family Psychology Review*. Vo 15, No 4. Desember.PP: 225-271.

Elliot. Faith Robertson (1986) "*The Family Change or Continuity?*" Published by LTD.

Goode. J. William (1989) "*The Family*" New Delhi . Second edition arsons,

Leeder, J. Elaine.(2004) " *The Family in Global Perspective* ", Printed in the United States of America.

Marshall, Gordon (1998) "*oxford dictionary of sociology*" New York, Rutledge.

Ozkan, Mutafa. AL- Tindag, AB Urrahman and Esin Sentunali. (2006) "Mental Health Aspects of Turkish Women from Polygamous versus Monogamous Families" *International Journal of Social Psychiatry*, PP: 52-214.

Steel, Liz. Kidd, Warren (2001) "*The Family*" Published by LTD. Printed in Malaysia.

Zelditch. jr. Morals.(1998) "*Role Differentiation in the Nuclear family: A Comparative Study*", Rutledge.